

المنهج وعنه شكل گیری اروپا

تاملد اروپا

ژاک لکگرن

ترجمه احمد بیقلیان

سرشناسه: لوگوف، ژاک، ۱۹۲۴. م.

Le Goff, Jacques

عنوان و نام پدیدآور: تولد اروپا / ژاک لوگوف؛ ترجمه احد علیقلیان.

مشخصات نشر: تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۳۴۸ صفحه

شابک: ۶-۲۴-۶۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه از متن انگلیسی با عنوان "The birth of Europe" است.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: قرون وسطی

موضوع: تمدن قرون وسطی

موضوع: اروپا--تاریخ--۴۷۶-۱۴۹۲ م.

شناسه افزوده: علیقلیان، احد، ۱۳۳۸، مترجم

رده بندی کنگره: ۹۱۳۹۱ ت ۹ / ۱۱۷ D

رده بندی دیویی: ۹۴۰/۱

شماره کتاب شناسی ملی: ۳۰۳۹۲۲۶



انتشارات مینوی خرد

تولد اروپا

ژاک لوگوف

این کتاب ترجمه ای است از:

The Birth of Europe, by Jacques Le Goff, Translated by Janet Lloyd, Wiley-Blackwell, 2005

ترجمه احد علیقلیان

ویراسته محسن قائم مقامی، کارگاه نشر مینوی خرد

طراح جلد: مهران زمانی

چاپ: آرمانسا، صحافی: رنوف

چاپ اول ۱۳۹۵

۱۰۰۰ نسخه

حقوق چاپ و نشر محفوظ است

انتشارات مینوی خرد، بلوار میرداماد، خیابان شاه نظری

خیابان دوم، شماره ۲۲، واحد ۲۲

تلفن: ۲۲۹۲۲۰۱۱ و ۲۲۲۵۶۹۴۲ و ۲۲۲۵۷۷۱۶

شابک: ۶-۲۴-۶۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

www.minooyekherad.com

فهرست مطالب

پیش‌گفتار ویراستار مجموعه	۲
نقشه‌ها	۷
مقدمه	۱۰
پیش‌درآمد: پیش از قرون وسطی	۱۹
فصل ۱: شکوفایی اروپا (سده‌های چهارم تا هشتم)	۳۱
فصل ۲: اروپای ارسطو: دنیای کارولژی (سده‌های هشتم تا دهم)	۵۳
فصل ۳: رؤیای اروپا و اروپای بالقوه سال ۱۰۰۰	۶۹
فصل ۴: اروپای قنودال (سده‌های یازدهم و دوازدهم)	۸۳
فصل ۵: اروپای «زیبای» شاهان: نگاه‌ها (سده‌های سیزدهم)	۱۴۷
فصل ۶: خزان قرون وسطی یا بهار جدید؟	۲۱۹
نتیجه	۲۷۱
گاه‌شمار	۲۸۴
کتاب‌شناسی	۲۹۶
نمایه	۳۴۰

اروپا هم چنان در حال سس گیتی است. این هم چالشی بزرگ است و هم چیزی است که تنها با توجه به گذشته می توان با آن روبه روشد؛ اروپای بی تاریخ طفلی یتیم و غمگین است. دیروز امروز و فردا هم در رقم بی زند و آثار اقدامات امروز را فردا متوجه می شویم. خاطره گذشته نباید از یادمان غافل کند. اگر این خاطره همراه با شناخت گذشته باشد، می تواند به ما کمک کند دوستی های جدیدی بسازیم و ما را به راه پیشرفت راهنمایی کند.

اروپا با اقیانوس اطلس، آسیا و آفریقا هم مرز است، تاریخ و جغرافیا و رفایش در هم تنیده و گذشته اش تنها با توجه به جهان پیرامونش قابل درک است. این سرزمین نامی را که یونانیان باستان به آن داده اند هم چنان بر خود دارد و ریشه های پیش از ایش را می توان در گذشته های دوردست پیش از تاریخ یافت. بر چنین بنیاد غنی و آفریننده، به هم پیوسته و در عین حال متنوع است که آینده اروپا ساخته خواهد شد.

مجموعه «شکل گیری اروپا» ابتکار مشترک پنج ناشر به زبان ها و ملیت های مختلف است: بک^۱ در مونیخ، بلکول^۲ در آکسفورد، کریتیکا^۳ در بارسلون، لایترسا^۴

1. Beck

2. Blackwell

3. Critica

4. Laterza

در رم و لوسوی^۱ در پاریس. هدف این مجموعه شرح تاریخ تحولات اروپا و نمایش پیروزی‌ها و البته نه پنهان ساختن دشواری‌هاست. ملت‌های اروپا، در تلاش برای دستیابی به همسازی و وحدت، با ناسازگاری، چنددستگی و درگیری‌هایی روبه‌رو بوده‌اند. هدف این مجموعه پنهان ساختن این مشکلات نیست و آنان که از قوه ابداع و عزم اروپایی برخوردارند دیدگاه صحیحی از آینده آن به دست نخواهند آورد، مگر آن‌که بار درک گذشته را به دوش بکشند.

بنابراین، عنوان این مجموعه عنوانی است که بر جریان دلالت می‌کند، زیرا هنوز زمان نگارش تاریخ تلفیقی اروپا فرا نرسیده است. کتاب‌هایی که در چارچوب این مجموعه منتشر می‌شوند به قلم مورخان برجسته‌ای به نگارش آمده‌اند. البته همگی اروپایی نیستند. اینان جنبه‌های مهم تاریخ اروپا را در حوزه سیاست و اقتصاد گرفته تا علوم اجتماعی و امور دینی و فرهنگی، بررسی می‌کنند. و در این راه از سنت دیرپای تاریخ‌نگاری‌ای بهره می‌گیرند که به هرودوت می‌رسد. به علاوه، از مفاهیم و اندیشه‌هایی بهره می‌جویند که در دهه‌های اخیر پژوهش تاریخی را دگرگون ساخته‌اند. دیگر آن‌که نویسندگان این مجموعه برای مخاطبان عام می‌نویسند.

هدف ما توجه به پرسش‌های اصلی پیش روی کسانی است که در ساختن اروپا سهیم بوده‌اند و هم‌زمان در پی آیم که آتش کنج‌کاوی مردمان جهان را فرو نشانیم؛ جان کلام این‌که ما در این پاسخ‌گفتن به این پرسش‌هاییم که اروپاییان کیستند؟ از کجا آمده‌اند؟ و با کجا می‌روند؟

ژاک لوگوف

هر اثر تاریخی، حتی آثاری که به دوره‌هایی در گذشته‌های دور می‌پردازند، به زمان حال مربوط می‌شود. این که به ربط مستقیم به وضعیت کنونی اروپا دارد؛ من آن را در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳، هشتم، در فاصله‌ای که شماری از کشورهای اروپایی پولی واحد اختیار کردند، به اروپا با پذیرش چند کشور اروپای مرکزی و شرقی گسترش یافت. علاوه بر این، این کتاب در مجموعه شکل‌گیری اروپا منتشر شده است که در آن پنج ناشر با زبان‌های مختلف در تلاش برای ایجاد زمینه فرهنگی مشترک همکاری می‌کنند. من توان مجموعه به‌خودی خود نشانه روشنی است از این که ناشران و نویسندگان عزم جزم کرده‌اند که از توجه‌شان به حقیقت تاریخی و از بی‌طرفی مورخان به‌بهره را ببرند با این امید که پرتوی بیفکنند بر اوضاعی که در آن جامعه اروپایی دارد ساخته می‌شود.

جستار حاضر به هیچ روی دعوی فضل ندارد و هدف آن نیز به دست دادن تاریخ پیوسته قرون وسطی در اروپا یا روایتی جامع و تفصیلی از جنبه‌های اساسی این تاریخ نیست. این جستار بر آن است تا این نظریه را شرح دهد که اروپا نخستین بار در قرون

وسطی پدیدار شد و به مثابه یک واقعیت و نیز یک بازنمود^۱ شکل گرفت. قرون وسطی زمان دقیق تولد، کودکی و جوانی اروپا بود، هرچند مردمی که در قرون وسطی می‌زیستند ساختن اروپایی متحد را هرگز نه به خواب می‌دیدند و نه اصلاً مشتاق چنین چیزی بودند. این پاپ پیوس دوم (آنا سیلویوپیکولومینی، پاپ از سال ۱۴۵۸ تا ۱۴۶۴) بود که در ذهنش تصویری روشن از اروپا شکل گرفت، اما پیش از او هیچ خبری از چنین تصویری نبود. وی در سال ۱۴۵۸ متنی نوشت با عنوان اروپا و در سال ۱۴۶۱ هم متن دیگری دربارهٔ آسیا نوشت و از این رهگذر، اهمیت شباهت‌ها و تفاوت‌های اروپا و آسیا را، حتی در آن زمان نشان داد.

زمانه جنگ جهانی اول و پس از آن، همگان قرون وسطی را زمان تولد اروپا می‌دانند. این سال‌ها سال‌های تفکر پر شور دربارهٔ اروپا بود، زمانی که بسیاری از طرح‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در چارچوبی اروپایی ریخته شدند. جذاب‌ترین جستارها دربارهٔ «مفهوم اروپا» را در آن زمان دو مورخ متخصص تاریخ سده شانزدهم-بیستمی^۲ در بریتانیا (اروپا: پیدایش یک مفهوم، ۱۹۵۷) و فدریکو چابود^۳ در ایتالیا^۴ تاریخ مفهوم اروپا^۵ نوشتند که جستار اخیر اثری بود مبتنی بر درس‌های ده ساله‌ای نویسنده در سال‌های ۱۹۴۳-۱۹۴۴ و ۱۹۴۷-۱۹۴۸. با این همه مفهوم تولد اروپا در قرون وسطی را پیش از آن، دو مورخ بزرگ فرانسوی در آستانه جنگ جهانی دوم^۶ طرح کرده بودند؛ اینان مجله آنال^۷ را بنیان گذاشتند که روح تازه‌ای در کسب و کار تاریخ‌نگاری دمید. مارک بلوک بود که گفت «اروپا زمانی ظهور کرد که امپراتوری روم سست گردید... حال آن‌که لوسین فور ضمن تکرار سخن او، این را نیز افزود «یا بهتر است بگوییم در پاپس از تجزیه این امپراتوری به یک امکان بدل شد». لوسین فور، در بخش سیزدهم از درس‌هایش در کولژ دو فرانس در سال‌های ۱۹۴۴-۱۹۴۵ (اروپا: پیدایش یک تمدن^۸، ص ۴۴) می‌گوید تمدن مسیحی «در سراسر قرون وسطی (که باید تصدیق کرد که

1. representation

2. Denis Hay

3. Federico Chabod

4. Storia dell'idea dell'Europa.

5. Annales

6. L'Europe, Genèse d'une civilisation

در مورد عصر جدید هم صادق است)، که اینک از ریشه‌هایش جدا شده بود، امواج مداوم تأثیرش را از مرزهای ناپایدار به پادشاهی‌های گوناگون می‌فرستاد. بدین سان تمدن مسیحی آگاهی مشترکی را برای اروپاییان به ارمغان آورد؛ این آگاهی از مرزهایی که عامل جدایی غربیان بود گذشت و با سکولارشدن تدریجی‌اش سرانجام به نوعی آگاهی خاص اروپاییان تبدیل شد.^۱

اما بیش از همه مارک بلوک بود که مضمون اروپایی را که در قرون وسطی ریشه دارد، پایه گذاشت و پرداخت. بلوک، در ۱۹۲۸، در کنگره بین‌المللی علوم تاریخ در اسلومقاله‌ای بدیع عرضه کرد با عنوان «به سوی تاریخ تطبیقی جوامع اروپایی» که در دسامبر همان سال در مجله سنترایستوریک [بررسی نظریه تاریخ] منتشر شد. او در مجموعه مقالاتی که به عنوان نامزد کرسی تدریس در کلمنژ در سال ۱۹۳۴ عرضه کرد، به این «طرح آموزش تاریخ تطبیقی جوامع اروپایی» بزرگشت. بلوک در اینجا سخنی گفت که در یادها ماند: «جهان اروپایی تا آنجا که اروپایی است، آفریده قرون وسطی است، که کم‌وبیش به یک ضربه حادث در یک نسبی تمدن مدیترانه‌ای را درهم شکست و ملت‌های رمی شدند و با ملت‌هایی که هرگز مغلوب رم نشده بودند در هم آمیخت و بدان‌ها هویت تازه بخشید. تولد اروپا از نقطه نظر جمعیتی اینگونه بود... و جریان‌های مشترک از آن پس این جهان اروپایی را، بنابراین تعریف، درنور دیده‌اند.» (مارک بلوک، تاریخ و تاریخ، ص ۱۲۶).^۲

این طرح‌های تقریبی از اروپا، از ساختارهایی که بدیع اروپایی هستند که از سده هجدهم به بعد پدید می‌آید، به هیچ روی راندن خمار نمی‌سازند و مفهوم هویتی را که به لحاظ جغرافیایی و تاریخی تعیین کامل یافته، توجیه نمی‌کنند. (صفت européen [اروپایی] نخستین بار در ۱۷۲۱ در زبان فرانسه شد و عبارت à l'euro péenne [اروپایی‌ها] در ۱۸۱۶). اروپای امروز هنوز ایجاد نشده بود؛ حتی موضوع تأمل هم نبود. گذشته از آینده خبر می‌دهد اما آن را تعیین نمی‌کند؛ در پیدایش حال، تصادف و اختیار به اندازه تداوم سهم دارند. کتاب حاضر بر آن است تا ماهیت آن طرح‌های تقریبی قرون وسطایی درباره اروپای آینده و عواملی را که کم‌وبیش سدا راه تحقق آن‌ها شدند آشکار کند، گو

1. *Revue de Synthèse historique*

2. *Historie et historiens*

3. M. Bloch, *Histoire et historiens*, (Paris: Armand Colin, 1995), p.126.

این که مسئله جریان پیوسته‌ای در کار نبوده است که گاه به پیش، و گاه به پس، حرکت کند. اما این کتاب می‌کوشد تا این نکته را نیز نشان دهد که قرون وسطی (از سده‌های چهارم تا پانزدهم) به راستی نقشی اساسی داشته و از میان همه میراث‌های مؤثر در اروپای امروز و فردا میراث قرون وسطی از همه مهم‌تر است. قرون وسطی جلوه و اغلب تجسم ویژگی‌های اصلی واقعی یا فرضی اروپا بود: ترکیب وحدت بالقوه و کثرت بنیادی، اختلاط جمعیت‌ها، تقابل‌های غرب - شرق و شمال - جنوب، ماهیت نامعین مرزهای شرقی آن و مهم‌تر از همه نقش وحدت بخش فرهنگ از جمله این ویژگی‌ها است. کتاب حاضر هم از آن چه واقعیات تاریخی نامیده می‌شود، بهره می‌گیرد و هم از بازنمودهای قوه خال تشکیل دهنده پدیده‌هایی که محصول طرز فکرهای نگرش‌های انسانی است. شکل‌گیری آن نگرش‌ها و آن بازنمودهای بسیار روشن قرون وسطایی یکی از برتری‌های اساسی تکوین هم در واقعیت و هم در مفهوم است. از همین آغاز باید پدیدار کرد که در هر حال، در قرون وسطی مرز میان واقعیت و بازنمود نامشخص ماند. مرزهای دقیق و خطی، مانند مرزهای رومی تا دوردست‌ها رفته و ناپدید شده بود. و این از درهم آمیزی مرزهای دنیای خاکی و دنیای ماوراء حکایت داشت. مردمان به نوعی فرشتگان و آدمیان در نزول و صعود از آن به هم برمی‌خوردند تصویری رایج نزد مردان و زنان در قرون وسطی بود. مرزهای خطی امروزی که با ردیف پاس‌گاه‌ها یا علائم مرزی مشخص می‌شود، فقط به صورت پراکنده یافت می‌شد و اینها ایجاد کشورها پدیدار گشت. گرچه اقتصاد عمومی احیا شده بود و اقتصاد ملی که آرایش ماهیت ملی داشتند پیشرفت کرده بودند، با این حال تا پایان سده سیزدهم از ادارات گمرک هنوز خبری نبود. تثبیت نهایی خطوط مرزی واقعی - قرون وسطی پیامد نهایی فرایندی دشوار و سلسله‌ای از درگیری‌ها بود. نمونه آن بحران منطقه روسیون لانگدوک فرانسه در پایان سده سیزدهم و منازعاتی بود که میان بازرگانان کاتالانی، شاه آراگون و شاه مایورکا بر سر بستن مالیات بر کالاهای کاتالانی در کولیور در گرفت که در آن روزگار آخرین بندر پیش از شروع خط ساحلی فرانسه در مدیترانه بود. مورخان قرون وسطی به درستی تلقی امریکایی از مرز را که

ساخته و پرداخته ترنر، مورخ غرب دور^۱ است رد کرده‌اند زیرا این تلقی در مورد تاریخ اروپا صدق نمی‌کند. این مورخان هم چنین تأکید کرده‌اند که چیزی که در قرون وسطی تا زمان ایجاد دولت‌ها، نقش مرز را داشت مناطقی بود که محل برخورد شمرده می‌شد، جایی که در آن نبردهای بسیاری درمی‌گرفت اما معاملات تجاری بسیار و اختلاط نژادی فراوانی نیز در آن روی می‌داد. در آغاز سده نهم، شارلمانی این مناطق را سرحدات^۲ قلمرو خویش قرار داد که هرچه بر اهمیتشان در اروپای قرون وسطی تأکید شود کم است. ژان فرانسوا لومارینیر^۳ نشان داده است که این سرحدات نهاد فتودالی بسیار ارزشمندی بوده‌اند زیرا در اینجا بود که رعیت‌ها به اربابانشان خراج می‌دادند؛ و منطقی است اگر بگوییم که نامشخص بودن یا در هم رفتگی این شبه مرزها مناسب رشد اروپای مدرن بود. اما روده‌های بزرگ که معمولاً کار مرز را می‌کنند؛ این روده‌ها را نه چندان مناسب آنی بلکه بیش‌تر محل برخوردهایی بی‌طرف برای اشخاص قدرتمند به شدت رسمی کردند (برای مثال امپراتور و پادشاه فرانسه). نخست پادشاهی فرانسه غربی و سپس سرتاسر فرانسه بدین‌گونه از شرق با چهار رود محدود می‌شد، اسکر، موز، راین و رون^۴. به گفته دیوید نوردمن^۵، در آثار فروآسار^۶، «اروپایی»ترین وقایع نئوساس^۷ چهاردهم، برای اشاره به آنچه در انگلیسی frontier (مرز) می‌نامیم اغلب از ma. he. ma. استفاده می‌شود و واژه frontière در مورد «جبهه» جنگ به کار می‌رود.

پیش از پی‌گیری جست‌وجویمان برای اروپا در قرون وسطی، باید بگوییم که هم در قرون وسطی از مفاهیم رقیب استفاده می‌شد هم موخا^۸ و زنی چنین می‌کنند. چنان‌که دیدیم و باز هم خواهیم دید، مفهوم اروپا در مقابل آسیا و در سطحی گسترده‌تر، شرق، قرار داده می‌شد. از این رو «غرب» مرکز است گاه برای نامیدن سرزمینی به کار رود که اساس آن را اروپا تشکیل می‌دهد.

Turner

۲. Far West: غرب اقصی؛ در تاریخ کشورهای متحد آمریکا [= ایالات متحده] نامی که مخصوصاً در قرن ۱۹م اطلاق می‌شد به دشت‌هایی که از می‌سی‌سی‌پی به طرف غرب تا کوه‌های روشوژ ممتد بود (دائرة المعارف فارسی مصاحب). سو.

3. marches

4. Jean-François Lemarignier

5. Escaut, Meuse, Saône, Rhône

6. David Nordman

7. Froissart

واژه غرب در قرون وسطی چندان در این معنا به کار نمی‌رفت، اما در عرصه بازنمودهای خیالی، دوپارگی دنیای مسیحیت به امپراتوری بیزانس و دنیای مسیحی لاتینی که به ترتیب به یک امپراتوری شرقی و یک امپراتوری غربی اطلاق می‌شدند، کاربرد این واژه را رواج داد. این مهم‌ترین دوپارگی بود که قرون وسطی به میراث گذاشت. از زمان سقوط امپراتوری روم، جدایی زبانی، دینی و سیاسی میان اروپای شرقی و غربی این دوپارگی را تشدید کرده است. نظریه‌ای که بعضی متفکران مسیحی در سده‌های دوازدهم و سیزدهم مطرح کردند نیز ماهیت «غربی» اروپای مسیحی لاتینی را که خاستگاه اروپای امروزی است بیش از پیش برجسته کرد. برطبق این نظریه قدرت و تمدن از شرق به غرب منتقل شده است. انتقال فرمانروایی^۱ و انتقال دانش^۲ بود که این نکته را که قدرت از امپراتوری بیزانس به امپراتوری ژرمن انتقال یافته بود، مؤکد کرد درست همان‌گونه که در علم و دانش از آن روم به پاریس انتقال یافته بود. پیشروی تمدن به سوی غرب، مسلمانان مشوق باور بسیاری از اروپاییان در سده‌های بعدی به برتری فرهنگ اروپای غربی شد.

برخلاف باور رایج، مسلمانان این مفهوم به سده‌های آغازین مسیحیت نمی‌رسد. درست است که شارلمانی مردم از یک امپراتوری مسیحی سخن می‌گفتند، اما تازه با مسیحیت ستیزه‌جوی سده یازدهم، یا آن‌چه به اصلاحات گریگوریایی شناخته می‌شود، صلاحاتی که مروج آن فرقه دینی بزرگ کلونی بود، و نیز با ایدئولوژی جنگ‌های صلیبی بود که اصطلاح دنیای مسیحی برای سرزمینی که بعدها هسته اروپا شد، کار رفت. خود اصطلاح «دنیای مسیحی» ممکن است موجب سردرگمی باشد. اهمیت بنیادی مسیحیت را در شکل‌گیری اروپا و در تلقی خود اروپاییان از هویتشان نمی‌توان انکار کرد. حتی آن‌گاه که روح روشنگری و سکولاریسم در اروپا پیر گشت آن بنیان مسیحی، آشکار یا نهانی، هم چنان مهم باقی ماند. اما مسیحیت بخشی طولانی و بسیار مهم از تاریخی بود که پیش از مسیحیت شروع شد و حتی پس از این‌که روم به زوال گذاشت هم چنان باقی ماند. نکته آخر این‌که باید به ابهام نام‌هایی که به کار می‌بریم نیز اشاره کنیم. بدین‌گونه است که در زمان

1. translatio imperii

2. translatio studii

جنگ‌های صلیبی، مسلمانان همه مسیحیان را فرانک [فرنگی] می‌نامیدند، چنان‌که مسیحیان برای نامیدن مسلمانان از لفظ ساراسین^۱ (واژه‌ای که در اصل نام خاص یک قبیله عرب بود اما بی‌زانشی‌ها و پس از آن غربیان آن را در مورد عموم مسلمانان به کار بردند) یا مور (مغربی)، کلمه‌ای مشتق از موریسکوس^۲ - نامی که اسپانیایی‌ها به مسلمانان داده بودند - استفاده می‌کردند.

از آنجا که این کتاب به تاریخ اروپا می‌پردازد لازم است ابتدا تاریخ همین واژه را روشن کنیم، زیرا من، با این‌که مورخی امروزی‌ام، همچون دانشوران قرون وسطایی، معتقدم که، همان‌گونه که خداوند در سفر تکوین نشان داده است، خود با نام‌گذاری مرتبط است. در عین حال باید گفت که تاریخ حتی نام‌های به‌کار بسیار معتبر را به گوشه‌ای پرتاب می‌کند و سرنوشت متغیر این نام‌ها بی‌گمان از سرنوشت معلوم آدم‌ها یا چیزهایی حکایت دارد که چنین نام‌هایی دارند.